

# دنیای جدید بانکداری

بازارهای نوظهور توسط گروه‌های بانکی کشورهای صنعتی روند غالب فرایند جهانی شدن می‌باشد، به طوریکه ما هم اینک شاهد توسعه بانک‌های اسپانیایی در آمریکای لاتین، بانک‌های آلمانی در اروپای شرقی و بانک‌های آمریکایی در شرق آسیا هستیم. ادغام‌های فرامرزی (Cross-border)، البته با اندکی شتاب کمتر، هم اینک در بین کشورهای صنعتی نیز در حال شکل گرفتن است. این ادغام‌ها، در آغاز در قالب اتحادهای استراتژیک تجلی می‌یابند. امتیاز این نوع اتحادها در این است که ضمن برخورداری از مزایای تنوع بخشی (Diversification)، از هزینه‌های جنبی ناشی از یک کاسه کردن فرهنگ‌های سازمانی مختلف جلوگیری می‌کنند.

تحولات فن‌آوری، و به ویژه رشد بهت‌آور بانکداری اینترنتی و خدمات دلالتی، موجب شده‌است که فرایند جهانی شدن از ورای ساختار مالکیت شرکت‌های عظیم چند منظوره (Conglomerate) عبور کرده و به درون بازارهای خرده فروشی نفوذ یابد. در واقع، اکنون بسیاری از بانک‌ها، به عوض دایر کردن شبکه‌های پرهزینه و فیزیکی شعب خرده‌فروشی، درصدد هستند تا برای توسعه بازارهای خارجی خود از قابلیت‌های عملیات بانکی پیوسته (Online) بهره‌برداری کنند.

همچنین، اتحادیه‌هایی که هم اکنون میان بانک‌های عمده و شرکت‌های مخابراتی بزرگ در حال شکل گرفتن است، حاکی از این است که در آینده فضای رقابتی در بازار الکترونیکی بسیار شدید خواهد شد. علاوه بر این، ظهور بانک‌های مجازی (Virtual) و توسعه پول الکترونیکی در بازار جهانی اینترنت، احتمال رشد موسسات غیربانکی (و احتمالاً به دور از چشم مقررات) را که وجوه را از سطح جامعه جمع‌آوری کرده و اعتبارات را در اختیار عامه قرار می‌دهد، ممکن و میسر ساخته است.

بدیهی است که برقراری ارتباطات سریعتر، مستلزم واکنش سریعتر- هم از جانب عوامل بازار و هم از جانب سیاستگذاران- است، ولیکن در این میان اطلاعات بدست آمده نیز در اندک زمانی کهنه و غیرقابل استفاده می‌شوند. امروزه آخرین ابزاری که برای ایجاد دگرگونی در بخش مالی دیده می‌شود، بانکداری جامع (Universalization of banking) می‌باشد، که به شتاب مرزهای موجود میان خدمات مالی ارایه

ترجمه: علیرضا برازنده‌تر

منبع: Finance & Development / June 2000

ایالتی در سال ۱۹۹۴ موجی از ادغام‌ها در این کشور به راه افتاده است و متحد شدن کشورهای اروپایی نیز تشدید این ادغام‌ها را در خاک اروپا دامن زده‌است (آغاز به کار یورو، واحد پول اروپایی، در ژانویه سال ۱۹۹۹ نیز موجب تسریع هر چه بیشتر این روند شده‌است).

در بسیاری از بازارهای نوپا، از جمله در کشورهای آرژانتین، برزیل و کره جنوبی، با توجه به تلاشی که بانک‌ها در جهت کارآمدی و انعطاف‌پذیری بیشتر در مقابله با ضربات وارده انجام می‌دهند، نیز شاهدیم که روند ادغام‌ها به خوبی در حال پیشرفت است. اینک روند ادغام‌ها حتی به مرزهای ملی نیز محدود نمی‌شود و در تلاش‌های همه جانبه‌ای که در حوزه بسیاری از صنایع برای خلق "قهرمانان ملی" قدرتمند صورت می‌گیرد، موسسات مالی برای عبور از مرزهای ملی خویش حاضر نیستند به انتظار پایان یافتن فرصت‌های رشد و سودآوری بیشتر در محدوده مرزهای داخلی بنشینند. اکنون بهره‌برداری از توان و رشد بالقوه

ادغام موسسات مالی در یکدیگر، جهانی شدن عملیات بانکی، گسترش فن‌آوری‌های نوین و حرکت به سوی بانکداری جامع (Universalization) چهار روند عمده‌ای است که به طرزی بنیادین دنیای مالی را دستخوش تحول کرده‌است. هر یکی از این گرایش‌های مهم، چالش‌هایی را در پیش روی نظام‌های نظارتی و مقرراتی کار آمد نهاده‌است.

موسسات مالی سراسر جهان با ضریب‌های شتاب‌آلود در حال ادغام در یکدیگرند. لحظه به لحظه از تعداد موسسات مالی کاسته شده و بر حجم متوسط آنها افزوده می‌شود و به ندرت هفته‌ای سپری می‌شود و اخباری تازه از ادغام یا تملیک بانک‌ها اعلام نمی‌شود. واقعیت این است که طی دو سال گذشته، به دلیل ادغام‌های متعددی که صورت گرفته است، شاهد تولد بزرگترین گروه‌های بانکی در جهان بوده‌ایم (به نمودار توجه شود). در کشور ایالات متحده آمریکا بالغ‌ترین قوانین محدودکننده بانکداری بین

شده لئوسوی موسسات بانکی و غیربانکی را در حال زدودن است. این روند از پیش در پاره‌ای از کشورهای اروپایی به خوبی پیشرفت کرده‌است (نمونه بارز آن، توزیع گسترده فرآورده‌های بیمه‌ای از طریق شعب بانک‌هاست که به پدیده Bancassurance ملقب شده‌است). روند مذکور خبر از شکل‌گیری و تکوین شرکت‌های عظیم چندمنظوره‌ای می‌دهد که تمامی انواع خدمات مالی را عرضه می‌دارند. ادغام Citicorp و Travelers Group در کشور آمریکا و الغای قانون Glass- Steagall در سال ۱۹۹۹ در این کشور تا حدودی مویب این حرکت برگشت‌ناپذیر می‌باشد (این قانون بانک‌ها را از مداخله در تأمین سرمایه منع نموده و خود به صورت تصنعی موجب بوجود آمدن بانک‌های سرمایه‌گذاری و تجارت شده‌بود).

### مزایا و معایب

مزایا و معایب روندهای مورد اشاره به کرات موضوع مباحثات و مقالات متعدد بوده‌است. در کفه مزایا، استدلال می‌شود که ادغام و تملیک بانک‌ها، در صورتیکه با موفقیت به اتمام برسد، به صرفه‌جویی و افزایش سودآوری منتهی می‌شود و در این حال، هم مشتری و هم سهامدار هر دو منتفع خواهند شد. جهانی شدن نیز امکان تنوع‌بخشی به ریسک‌ها توسط بانک‌ها را آسانتر خواهد کرد و عملکرد کلی تک‌تک اقتصادهای ملی را با بهبود نحوه تخصیص منابع افزایش خواهد داد. اما در کفه معایب، ادعا می‌شود که چنانچه جریان تلفیق و ادغام موسسات در سطحی فراتر از حد تناسب و اندازه ادامه پیدا کند، به سوء استفاده از موقعیت‌های مسلط بازار و بروز خطرات بی‌مسئولیتی (Moral Hazard) منجر خواهد شد. نمونه‌ای از این حالت زمانی اتفاق می‌افتد که گمان شود به دلیل بزرگی بیش از حد و اندازه یک موسسه، احتمال سقوط آن منتفی است (Too big to fall). علاوه بر این، باید گفت که مداخله بیش از اندازه در بازارهای خارجی، بدون برخورداری از پشتوانه اطلاعاتی کافی از شرایط اقتصاد محلی نیز به افزایش میزان آسیب‌پذیری هر یک از بانک‌ها منتهی می‌شود. یکی از موضوعاتی که تنها در چند سال اخیر مورد توجه قرار گرفته است، اثرات ضمنی است که این نوع تحولات بر سیاست‌های احتیاطی (Prudential) و نظارتی برجای می‌گذارد (به عبارتی، در اینجا

سخن از تأثیرات ضمنی این تحولات بر روی ریسک سیستمی و توانایی مقامات ذی‌صلاح در اداره آن می‌باشد).

به عنوان شروع، باید این پرسش را مطرح کرد که در چنین محیطی، ریسک را چگونه باید ارزیابی و مدیریت کرد؟ در واقع، کاربرد ابزارهای مشتق و توسل به عملیات زیر خط ترازنامه، همچنین، تنوع یافتن عملیات بانکی در کلیه کشورها و در کلیه بخش‌های مختلف

### بزرگترین بانک‌های جهان و میزان

#### سرمایه آنها

(تریلیون دلار، ۱۹۹۹)



- 1) IBJ: Industrial Bank of Japan.
- 2) DKB: Dai-Ichi Kango Bank.
- 3) UBS: United Banks of Switzerland.

#### مأخذ: برآوردهای صندوق بین‌المللی پول

فعالیت‌های بانکی آنچنان شدت یافته است که فنون سنتی مدیریت ریسک به سرعت مهجور و قدیمی می‌شوند. پرسش دیگر اینست که در چنین شرایطی نحوه برخورد با بانک‌های درمانده (Distressed) چگونه باید باشد؟ تجربه نشان داده‌است که انحلال یک بانک بزرگ به دلیل بازتاب‌های سیستمی آن در اقتصاد واقعی

می‌تواند موجب بروز مشکلاتی شود. اشاره به این نکته نیز حائز اهمیت است که ادغام‌های انسجام‌یافته در بخش بانکداری در سطح بین‌المللی حاوی نکته ظریفی است: به طور مثال، پرسشی که وجود دارد، این است که هنگام تصمیم‌گیری در مورد تأمین نقدینگی یا استفاده از وجوه مردم برای کمک به یک بانک درمانده جهانی شده (Globalized) بازار مربوطه به چه صورت ترسیم خواهد شد؟ به طور مثال، آیا در حوزه یورو، سرنوشت یک بانک مادر (Holding Bank) که فرضاً با ۲۵ درصد سپرده‌های ملی در کشور اصلی و صرفاً یک درصد از سپرده‌های حوزه یورو تشکیل یافته است، می‌تواند رقابت کند و به تبع آن، ثبات نظام را به خطر اندازد و در نتیجه، مستلزم توجه ویژه باشد؟ و اگر طریقه مداخله بخش عمومی مناسب باشد، چه کسی متولی اجرای آن خواهد بود؟ براساس آنچه در کنوانسیون‌های بین‌المللی در مورد روش نظارت بر عملیات جهانی بانک‌ها وجود دارد، مسوولیت این امر بر عهده مقامات نظارتی کشور مادر خواهد بود. با این وصف، اکنون بانکی را تصور کنید که مقیم کشور "الف" است، ولیکن حجم عملیاتش (هر چند در مقایسه با دیگر عملیات جهانی همین بانک نسبتاً کم اهمیت باشد) در کشور "ب" نقش بانک مسلط را به این بانک بخشیده باشد. حال، اگر بانک مذکور دعوتاً از پرداخت دیون خود ناتوان (Insolvency) گردد، آیا مقامات ناظر کشور مادر ملاحظاتی لازم را در مورد اثرات بالقوه مخرب توقف این بانک در کشور "ب" (که نتیجه انحلال بانک مذکور می‌باشد) خواهند نمود؟ و آیا مایل به ادامه کمک مالی خواهند بود؟ (توجه کنید که اقدام اخیر به منزله انتقال ثروت از کشور "الف" به "ب" می‌باشد).

در خاتمه، این نکته نیز یادآوری می‌شود که تحولات جدید در فنون مالی، جهانی شدن امر سرمایه‌گذاری، و ظهور فن‌آوری‌های نوین به میزان معتناهی دامنه و شتاب سرایت (Contagion) مشکلات را افزون نموده‌است، به طوری‌که ته کشیدن غیرمنتظره نقدینگی در یک بازار مالی خاص می‌تواند به سرعت به سراسر جهان و به بازار سرمایه جهانی سرایت نماید. در اینجا نیز باردیگر ممکن است پدیده جهانی شدن واکنش مقامات نظارتی را تحت تأثیر قرار دهد. به طور مثال، اکنون این پرسش مطرح است که اگر عملیات LTCM به عوض تمرکز یافتن در

بازار ایالات متحده آمریکا به خیلی از بازارهای خارجی سرایت می‌کند، آیا باز هم بانک فدرال رزرو نیویورک حاضر به مداخله و تسهیل در تجدید زمان‌بندی دیون LTCM می‌بود؟

### تسویه بدهی ریسک‌های بانک‌های جهانی شده

تدوین کنندگان مقررات مالی، در مقام پاسخ به این چالش‌ها، توجه خود را برافزایش میزان شفافیت و تحکیم پایه‌های مقررات احتیاطی و نظارتی متمرکز کرده‌اند، به نحوی که ریسک‌های ناشی از جهانی شدن عملیات بانک‌ها به وضوح مورد توجه قرار گیرد. اولین گام برای مراقبت بهتر ریسک‌ها تلاش در جهت ایجاد شفافیت بیشتر است. شفافیت موجب می‌شود که شرایط مساعد برای مقامات ناظر بانکی و هم چنین برای توده مردم فراهم آید و ارزیابی وضعیت ریسک (Risk Profile) موسسات مالی ممکن شود و از این رهگذر موضوع ایجاد انضباط در بازار و نظارت نیز آسانتر شود. یکی از اصلاحات بنیادین در این رابطه توجه به کاستی‌ها و ناکارآمدی توصیه‌های سال ۱۹۸۸ کمیته نظارتی بانکی بال در مورد نسبت کفایت سرمایه می‌باشد. خشکی و انعطاف‌ناپذیری توصیه‌های مذکور، ظهور بازارهای جدید مشتق اعتباری و رشد غیرمترقبه و بی سابقه فروش وام‌ها (Loan Sales) و نیز تبدیل به اوراق قرضه کردن بدهی‌ها (Securitization) شرایطی را به همراه داشته است که مدیران بانک‌ها را به مشارکت فعال در امر اداره ریسک‌ها و به سوء استفاده (Arbitrage) از رویه‌های سرمایه نظارتی رهنمون شده است. اعمال رویه‌های مذکور به بانک کمک می‌کند که میزان متوسط ریسکی بودن ارقام سبد وام‌های خود را، با احتساب فرمول نسبت کفایت سرمایه، کاهش دهد و به تبع آن، بی آنکه مجبور به کاهش همتراز در میزان ریسک‌های عملی پیشروی خود باشد، سطح سرمایه مورد توصیه کمیته بال را تنزل دهد، و این امر از شدت اثر بخشی نسبت مذکور به عنوان یک ابزار احتیاطی می‌کاهد. کمیته بال برای حل این مشکلات چند پیشنهاد ارائه کرده است: پیشنهاد اول، استفاده از رویکرد موسوم به Bucketing است. طبق این رویکرد، تعیین سطح سرمایه مبتنی بر رتبه‌بندی‌هایی است که موسسات رتبه‌بندی مستقل از وام گیرندگان به عمل می‌آورند. براساس رویکرد پیشنهادی دوم، به بانک‌ها اجازه

داده می‌شود که از مدل‌های ریسک اعتباری داخلی خود، که از قبل و به منظور ارزیابی ریسک‌های بازار در حوزه اقلام غیربانکی (Trading Book) طراحی کرده‌اند، استفاده کنند. ناگفته نماند که هیچ یک از پیشنهادها رایج شده به طور کامل مطلوب نیستند. به طور مثال، مدل‌های ریسک اعتباری هنوز در مراحل اولیه پیشرفت هستند و ممکن است ارزیابی کفایت و بسندگی مدل ریسک اعتباری یک بانک و نیز پی بردن به نحوه بکارگیری مدل مذکور از سوی بانک برای ناظران بانکی امری دشوار به نظر آید. همچنین، این پرسش مطرح است که وقتی از

### ● سازمان‌ها و گروه‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی از تلاش سازمان‌های ملی برای حل چالش‌های ناشی از فرایند جهانی شدن، حمایت می‌کنند و خود نیز مکمل این تلاش‌ها بوده‌اند.

نتایج و یافته‌های موسسات رتبه‌بندی استفاده بشود، روشن نیست که نحوه ارزیابی اعتبارات شرکت‌هایی که رتبه‌بندی شده نیستند، چگونه خواهد بود؟ نکته یا مشکل دیگر این است که رتبه‌بندی‌های فوق‌الذکر به طور خاص جهت تعیین الزامات سرمایه طراحی نشده‌اند، و حوادثی مانند بحران ۱۹۹۷ آسیا نیز حاکی از آن است که این موسسات آن طوریکه از محتوای ارزیابی‌های آنها برمی‌آید، به سرعت از مرز خوش بینی بیش از حد به بدبینی افراطی تغییر موضع می‌دهند. مضافاً این که، موسسات

### ● اینک روند ادغام‌ها حتی به مرزهای ملی نیز محدود نمی‌شود.

### ● FSF وظیفه دارد که از طریق تبادل اطلاعات و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه نظارت و بازرسی مالی، به ثبات مالی بین‌المللی کمک برساند.

مذکور ممکن است در صورت استفاده از نتایج رتبه‌بندی آنها در جهت ارزیابی الزامات سرمایه‌ای مشتریان، در معرض تضاد منافع قرار بگیرند. دومین مسأله مهم نظارتی، همانا پیچیدگی و جهانی شدن معاملات مالی و ایجاد شرکت‌های مالی بزرگ و چند منظوره است که در خاک چندین کشور گسترش یافته‌اند و انجام ارزیابی‌های صرفاً داخلی (ملی) را غیرقابل قبول

و ناممکن می‌سازند. سازمان‌ها و گروه‌های بین‌المللی (مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، بانک تسویه‌های بین‌المللی و کمیته بال) از تلاش سازمان‌های ملی در پرداختن به چالش‌هایی که فرایند جهانی شدن در پیش روی ثبات بخش‌های مالی نهاده است، حمایت می‌کنند و خود نیز مکمل این تلاش‌ها بوده‌اند. این سازمان‌ها و گروه‌ها به منظور افزایش شفافیت گام‌هایی را در راستای پی‌ریزی رهنمودهایی جهت یک کاسه کردن صورت‌های مالی و نیز یکپارچه کردن استانداردهای حسابداری و حسابرسی و افشای اطلاعات در سطحی فرامرزی برداشته‌اند. سازمان‌های مذکور در عین حال در تلاش هستند تا شکاف‌های موجود در زمینه‌های نظارتی و مقرراتی را شناسایی نموده و به منظور اجتناب از بروز مشکلاتی مانند سوءاستفاده‌های مقرراتی (Regulatory Arbitrage) شکاف‌های مذکور را مسدود سازند (توضیح اینکه، واژه سوءاستفاده مقرراتی به انتفاع و بهره‌برداری از مقررات کمتر منسجم یک حوزه قضایی خاص یا به استفاده از مقررات کمتر منسجمی که اختصاص به انواع معینی از موسسات دارد، اطلاق می‌شود). پذیرش استانداردها و مراقبت از رعایت آنها نیز بخشی از تلاش سازمان‌های مذکور می‌باشد. صندوق بین‌المللی پول، به نوبه خود، اقدام به تهیه استاندارد عمومی انتشار داده‌ها (GDDS)، استاندارد ویژه انتشار داده‌ها (SDDS)، اصول روش‌های مطلوب در مورد شفافیت مالی و اصول روش‌های مطلوب در مورد شفافیت سیاست مالی و پولی نموده است. همچنین، دو سازمان صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی (در تلاش دیگری که با همکاری دیگر سازمان‌های بین‌المللی وضع‌کننده استانداردها و نیز مقامات نظارتی کشورهای داوطلب عضو صورت گرفت) به ارزیابی بخش مالی کشورهای عضو در قالب برنامه‌ای موسوم به FSAP پرداختند. برنامه FSAP در حال حاضر به طور آزمایشی در حال اجراست. در چارچوب این برنامه، پیوندهای موجود میان موسسات و بازارهای مالی مختلف و همچنین، پیوندهای موجود میان بخش مالی و شرایط اقتصاد کلان مورد بررسی قرار می‌گیرد. برنامه مذکور در عین حال چگونگی رعایت یا عدم رعایت استانداردها و ضوابط مربوطه را نیز مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در آغاز تلاش‌هایشان بر موانع متعدد و مهمی غلبه نمودند؛ توضیح اینکه، مقررات کشورها ریشه در قوانین ملی دارند و به سهولت نمی‌توان آنها را از کشوری به کشور دیگر منتقل کرد. از سوی دیگر، رویه‌های مورد استفاده در هر کشور در حوزه عملیات و موسسات مالی نیز یک شبه بوجود نمی‌آیند، بلکه در طول زمان فراهم می‌شوند و تغییر آنها نیز مستلزم صرف هزینه است.

همانطوریکه در بالا اشاره شد، تلاش عمده‌ای در جریان است تا پیمان سال ۱۹۸۸ بال (Basle Accord)، که به طور اخص برای بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی طراحی شده بود، مورد بازنگری قرار گیرد. به هر حال، در طول زمان، بانک‌ها و کشورهای زیادی تلاش کرده‌اند تا الزامات پیمان مذکور را در درون سازمان‌های خویش به مورد اجرا بگذارند، چرا که استنباط می‌شود رعایت الزامات مذکور راهی برای اعتدالی اعتبار و حیثیت بانک‌ها می‌باشد (حتی اگر بانک مذکور حضور بین‌المللی موثری نداشته باشد). این موضوع نیز تاییدی دیگر بر جهانی شدن بازارهای مالی است. اما در مورد چگونگی اقتباس این گونه الزامات در سطح وسیعتر موسسات مالی هنوز تردیدهایی باقی است. به همین ترتیب، اصول پایه (Core Principles) کمیته بال در مورد نظارت بانکی کارآمد نیز یکی از عناصر کلیدی حرکت در راستای بهبود نظارت بانکی در سطح جهانی تلقی می‌شود.

### چالش‌های باقی مانده

به رغم پیشرفت‌های قابل توجه، هنوز چالش‌ها کماکان باقی است. به عنوان مثال، لازم است برای قابل فهم شدن الزامات کفایت سرمایه، تعاریف بکار گرفته شده در محاسبات نسبت مذکور در میان کلیه کشورها یکسان شود. همچنین، به منظور حصول اطمینان از گردش مناسب اطلاعات در میان سازمان‌های نظارتی، نیاز به گام‌های بیشتری احساس می‌شود. به طور نمونه، کمیته بال برای این منظور رهنمودهایی را در مورد اشتراک اطلاعات (Information Sharing) عملیات بانکی در سطح فرامرزی تهیه کرده است؛ البته در این زمینه نیاز به تحقیقات بیشتری است. احتمال می‌رود که چالش دیگر (یعنی چگونگی ایجاد انگیزه‌های صحیح برای

تبعیت از رهنمودها) به خصوص در مورد مراکز برون مرزی (Offshore) حایز اهمیت ویژه باشد، چرا که در اغلب معاملات انجام یافته در نظام مالی صرفاً اشخاص غیر مقیم مشارکت دارند. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، بانکداری جامع در حال سوق دادن شرکت‌ها به سمت عملیاتی است که سابقاً ملک طلق دیگر انواع موسسات مالی تلقی می‌شد. علاوه بر این، پیچیدگی روزافزون دانش تأمین مالی (Finance) موجب پدید آمدن پیوندهای تنگاتنگی میان انواع مختلف موسسات مالی شده است. این تحولات، روی آوری به رویکردهای جامع در مورد

### ● برخی از کشورها مانند کره جنوبی و انگلیس، سازمان‌های متولی امور نظارتی و امور مقررات موسسات مالی را ادغام کرده‌اند و برخی دیگر نیز هماهنگی‌های موجود میان ناظران مختلف را بهبود بخشیده‌اند.

چگونگی ارزیابی ریسک‌ها را به نحوی که از فواید مرزهای ملی موسسات عبور نماید، امری لازم و ضروری کرده است. برخی از کشورها (مانند کره جنوبی و انگلیس) با ادغام سازمان‌های متولی امور نظارتی و امور مقرراتی موسسات مالی تحت لوای واحد، به این موضوع توجه کرده‌اند. برخی از کشورها نیز هماهنگی‌های موجود میان ناظران مختلف را بهبود بخشیده‌اند. این پدیده حتی در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته و به رسمیت شناخته شده است. به طور مثال، مرکز تبادل آرا در مورد ثبات مالی

### ● جریان ادغام و تملیک موفقیت آمیز بانک‌ها موجب صرفه‌جویی و افزایش سودآوری خواهد شد، اما از سوی دیگر، مداخله بیش از اندازه در بازارهای خارجی، به افزایش آسیب‌پذیری بانک‌ها منتهی می‌شود.

(Financial Stability Forum) مرکزی است مرکب از سازمان‌های ملی و بین‌المللی که در سال ۱۹۹۹ تأسیس یافته است. FSF وظیفه دارد که امر ثبات مالی بین‌المللی را از طریق تبادل اطلاعات و همکاری‌های بین‌المللی در زمینه نظارت و بازرسی مالی ارتقا دهد. در ایفای این وظیفه، FSF درصدد است که شکاف‌های موجود در زمینه‌های مقرراتی را شناسایی نموده

و گام‌هایی را در جهت زدودن آنها بردارد. همچنین، همانطوریکه پیشتر به آن اشاره شد، اجرای آزمایشی برنامه FSAP رویکردی است جامع در جهت شناسایی نقاط آسیب‌پذیر بخش مالی، نقاطی که میان انواع مختلف موسسات مالی مشترک می‌باشد.

از سوی دیگر، پدیده جهانی شدن و افزایش ارتباطات میان واسطه‌های مالی موجب پدید آمدن مشکلاتی در زمینه شبکه‌های ایمنی (Safety Nets) مانند بیمه سپرده‌ها و تریبیت‌ها و وام دهنده شده است. اکنون این پرسش وجود دارد که کدام یک از انواع موسسات مالی و عملیات مالی می‌باید مورد حمایت قرار گیرد؟ چه کسی باید هزینه اداره شبکه‌های ایمنی را تقبل کند؟ و در چه زمانی باید این شبکه‌ها فعال شوند؟ در حال حاضر، رایج پاسخ این پرسش‌ها حتی در فضای محدودتر و ساده‌تری چون نظام بانکی موجود در هر کشور (که صرفاً در میان اتباع همان کشور اجرا می‌شود) امری بفرنج و دشوار می‌نماید. پاسخ به این پرسش‌ها هنگامی دشوارتر می‌شود که پای نظام مالی جهانی شده به وسط کشیده شود و پرواضح است که هنگام سخن گفتن از بانکداری اینترنتی، یعنی همان پدیده‌ای که اعتبار مفاهیم مبتنی بر حد و مرزهای ملی مانند اصل نظارت توسط کشور مادر را ساقط نموده است، این پاسخ‌ها بسی دشوارتر خواهند شد.

جان کلام اینکه، بخش بانکداری در آستانه گام نهادن به دنیای جدیدی است که در آن تمایز میان مرزهای ملی و بین‌المللی هر لحظه کم‌رنگ‌تر و کم اهمیت‌تر می‌شود، و لاجرم نظام‌های مقرراتی و نظارتی مجبورند برای حفظ کارآمدی خود، روش‌های کار خویش را با این دنیای جدید وفق دهند. تأکید روزافزون بر مدیریت ریسک‌ها، تبادل اطلاعات و همکاری‌ها در سطوح بین‌المللی خود مویدی بر تلاش در جهت انطباق با این دنیای جدید می‌باشد. اما با همه آنچه گفته شد، رایج پاسخ به برخی از پرسش‌ها، مانند این پرسش که در مواقع بروز دشواری‌ها، چه اقدامات خاصی باید برای بانک‌ها انجام شود؟ به آسانی میسر و ممکن نیست. بدون تردید، انطباق چارچوب‌های مقرراتی و نظارتی با شرایط بازارهای مالی سریعاً در حال دگرگونی، چالش رعب‌آوری است و مستلزم همکاری‌های بیشتر میان مقامات نظارتی، بازارها و افراد شرکت‌کننده در بازار می‌باشد. ■